

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه زلزال (جله چهارم)

نقم مفهومی استاد اخوت ۹۶/۱۰/۰۲

جهت استجابت هر حاجتی که دارید از جمله استجابت دعای همه مومنین و عاقبت بخیری همه، صلواتی ختم بفرمایید.

خلاصه بحث هفته گذشته: سوره مبارکه زلزال بر اساس تدبر در دعا و تطبیق با آن دعا خوانده شده است. اعتقاد داریم که تدبر در دعا ما را به نظام سازی می‌رساند. اعتقاد کلی این است که وقتی دعا وارد ساختار فکری شما شود، سوره-ها امکان جاری شدن در جامعه را می‌یابند. بر اساس این دعای معروف یک سری از «امور» تبدیل به «اعمال» می‌شوند. هم امور باید «خیر» باشند هم اعمال. «خیر» به عنوان مقصد امور و اعمال است و در دعا «خرلی» داشتیم و «وجهنی للخیر». میسور امور را اختیار کن. هر طوری معنا کنید می‌شود: مرا در میسور امور قرار بده.

خیر، جوهری دارد که منجر می‌شود امری خیر باشد یا نباشد. خیر را به ویژگی‌هایی می‌توان شناخت. باید برای خودمان و دیگران، جریانی از خیر برای امور و اعمالشان، ایجاد کرد.

می‌خواهیم جدولی رسم کنیم. این جدول مربوط به اعمال یا امور است. امری مانند کلاس قرآن آمدن که می‌تواند عمل هم باشد. وقتی به عنوان یکی از موضوعات زندگی باشد می‌شود «امر». مثلاً موضوعات زندگی خودتان را می‌نویسید که در فلان سال دانشگاه رفتن دارم، ازدواج کردن، همسر داری، تربیت فرزند و .. اینها امر هستند، موضوعاتی که با آنها در ارتباط هستیم. «عمل» یعنی همان موضوعات وارد صحنه عمل می‌شود. امروز می‌خواهم با فرزندم بازی کنم. بازی کردن عمل است و در قالب تربیت فرزند قرار می‌گیرد.

امر خیر باشد یعنی در بین برنامه‌های زندگی این یک کار موجود باشد. کلاس قرآن آمدن جزئی از امور زندگی شماست. این که کلاس شنبه را می‌آید یا نه، می‌شود عمل. می‌توان به جای کلاس قرآن نوشت؛ قرآن خواندن یا

یادگیری قرآن یا قرار گرفتن در معرض قرآن و یا جاری کردن قرآن در زندگی. اعمال و امور را می توان به شکل - های مختلف نوشت. هر کدام از این امور را می توان انتخاب کرد اما به شرطی که کاملا تفصیلی بدانند آن امر چیست.

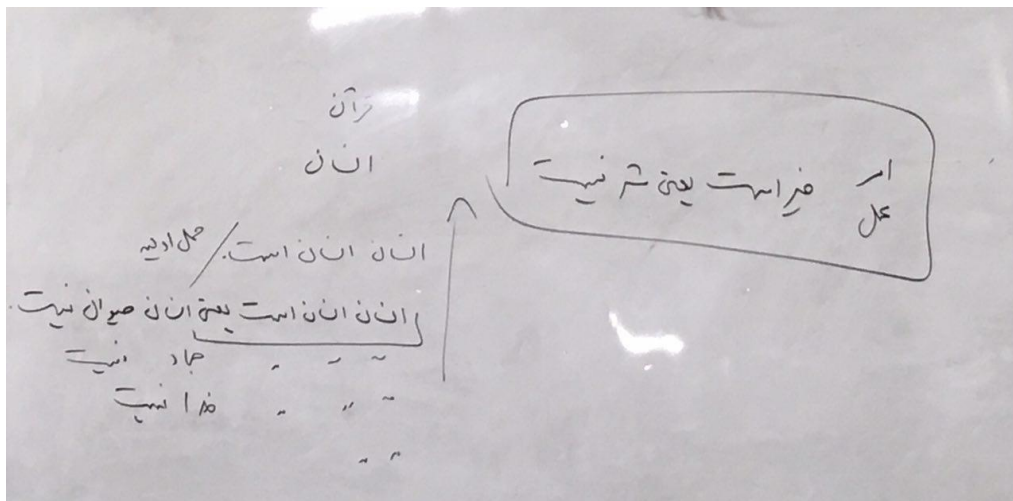
اعمال و امور	کلاس قرآن
امر و نهی	براساس امر الهی است
حضور خدا/ تقوا	ایجاد مراقبت و تقویت تقوا می کند.
کمال	وضعیت قبل و بعد را متفاوت می کند.
زینت	داشتن جلوه و ایجاد آراستگی
وضوح	ایجاد ابهام نمی کند.
وسعت	واسع الحال شدن
جبران	ایجاد قدرت جبران کنندگی
سازگاری	در مسیر پسر و سازگاری باشد
منع از شرور	جدا کننده از شر
سوره/ هیت	وجه اعتماد به نفس و توان کلی انسان به خیر هیت، اعتماد انسان به دیگران منتقل می شود.
حجت	سند شدن و انتقال می یابد. حجت و حکمت کار یعنی وجهی که قابلیت امکان
	پیامبر (صلی الله علیه و آله) جاری کننده خیر در عالم حضرت فاطمه (علیها السلام) قطع کننده از شر

امر آن است که به عمل درآید، نه این که به صورت مبهم در ذهن فرد باشد یا به صورت آرمانی، آرمانی ها را به عنوان امور حساب نمی کنیم. کلاس قرآن را انتخاب می کنم، امری است که به شکل عمل هم در می آید. امور مثل موضوعات هستند. برخی از امرها شکل عمل در می آید. کلاس قرآن می تواند امر باشد و عمل نیز باشد. ممکن است امری خیر باشد اما عمل آن خیر نباشد. مثلا امر کلاس قرآن رفتن درست باشد اما به جای کلاس «الف» رفتن به اشتباه کلاس «ب» را برود. خیلی وقت ها اختلال آدم ها در تبدیل امر به عمل آنهاست.

یکی از ویژگی های دستگاه ادراکی انسان این است که «انسان، انسان است» را می فهمد و هر بار که این را می گوید، وجهه دیگری را اراده کند.

«انسان انسان است» یعنی «انسان حیوان نیست» یعنی «جماد نیست» یعنی «خدا نیست». گزاره‌ای را در می‌آورد و گزاره‌ها را به خودش می‌شناسد و هر بار به وجهی که آن را ندارد، می‌شناسد. حمل‌های اولیه بهترین حمل‌ها هستند در شناخت، چرا که بلافاصله شیء را با خودش مواجهه می‌کنند.

می‌خواهم بدانم که امر یا عمل خیر است یعنی شر نیست. در واقع گزاره‌ای به کار برده می‌شود. عمل یا امر، خیر هستند یعنی غیر خیر نیستند.

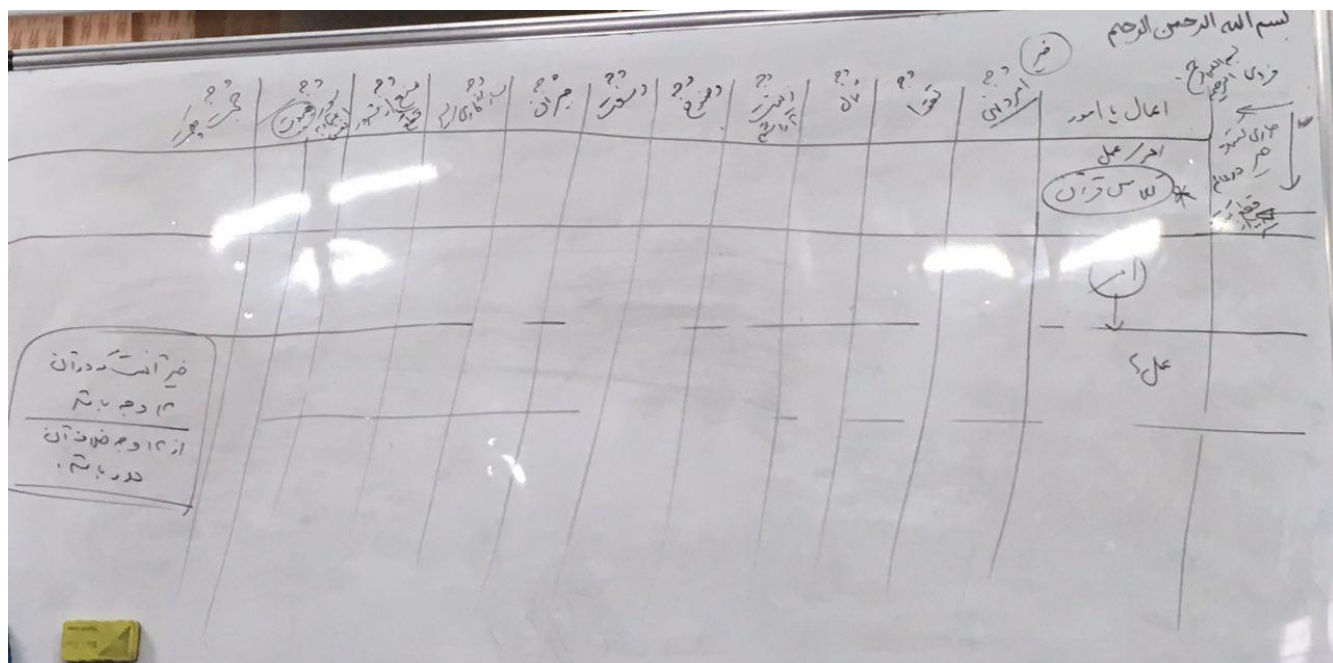


عمل یا امری خیر است، یعنی چگونه است، دوازده وجه را هفته گذشته مطرح کردیم. وجه اول وجه امیرالمؤمنین است یعنی وجه «امر و نهی». یعنی آن امر یا عمل حتما طبق امر و نهی الهی. از وجوه خیر این است که باید امر و نهی الهی باشد. هم می‌توان حمل اولیه‌ای گفت و هم حمل شایع. اما بهتر است این را به خودش بشناسیم. یعنی «خیر» کاری است که طبق امر و نهی دیگران نیست و «شر» آن چیزی است که جامعه آن را حکم می‌کند و به گونه‌ای تحمیل دیگران است. شر باید و نباید از جانب دیگران آمده است و خیر این گونه نیست. بهتر است این گونه بشناسیم. کلاس قرآن آمدن من، تحت امر از جامعه و دانشگاه و خانواده نبوده است.

دومین وجه می‌شود وجه «تقوا»، وجه تقوا یعنی این که این امر یا عمل باعث تقویت تقوا در من می‌شود. اگر کسی آمد و تقوایش کم شد مثلا دچار حسد شد، یعنی آن عمل یا امر برایش خیر نیست.

وجه سوم وجه «کمال» آن است. اگر جدول هفته پیش را ببینید در واقع از بین لوازم معنایی که برای خیر بدست آورده‌ایم مهم‌ترین آن را انتخاب می‌کنم. مثلا اگر در آنجا حسین شهید بود، کمالش را می‌بینم. این که چه واژه‌ای

را انتخاب می‌کنم خیلی مهم است. کلاس قرآنی که می‌آیم باید در من کمال ایجاد کند. یعنی وضعیت قبل و بعد مرا متفاوت کند و مرا جلو ببرد.



وجه بعدی «زینت» است. باید جلوه نیز به من بدهد. یعنی کلاس قرآن باید مرا آراسته‌تر کند. عبودیت را در امر و نهی و تقوا لحاظ کرده‌ام و زینت را انتخاب می‌کنم. در امر یا عمل خیر، وجه آراستگی اهمیت دارد.

وجه بعدی امر یا عمل خیر، «وضوح داشتن» است. یعنی مبهم نباشد؛ هم آثارش و هم حدش و هم تکالیفش. یعنی اگر آدم کلاس و گفتند فلان کار را انجام بده یعنی معلوم باشد که دقیقا چه کاری باید انجام دهم. در ابهام نباید قرار گرفت. اگر کلاسی در فرد ایجاد وضوح نکرد یا خودش وضوح نداشت، برایش خیر نیست. فرد تا کی می‌خواهد کلاس‌های مبهم برود و فرد مبهمی باشد؟!

وجه بعدی، «وسعت» است. هفته پیش در مورد جعفر صحبت کردیم. صادق امین، وسعت از جعفر گرفته می‌شود. وقتی فرد کاری می‌خواهد انجام دهد آن کار حالش را وسیع کند و وضعیت او را پهناورتر کند، در ضیق قرار ندهد، حالت بسط ایجاد کند. اگر در کاری اجتماعی و نظام‌سازانه این وجوه را بررسی کنیم از خاصیت‌های وسعت می‌شود، چابکی و سرعت.

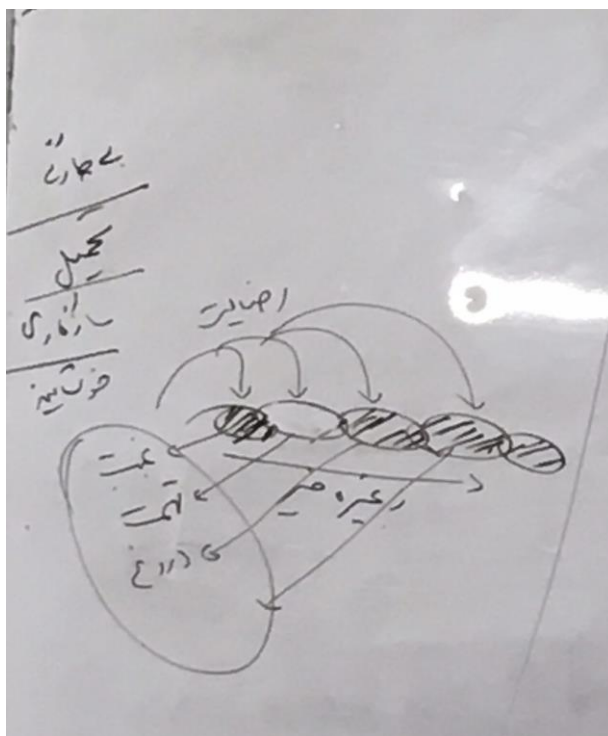
از دلایلی که این موارد را در جدول قرار می‌دهیم همین تغییر واژه‌هاست. مثلاً می‌بینید که در کتابی، از تیترا به تیترا دیگر واژه‌ها، تغییر می‌کند. باید واژه از اجتماعی به فردی نزول یابد.

وجه وسعت یعنی رو به بهبودی و خوشحال‌تر شدن رفتن است. خصوصیت کار خیر منبسط شدن و خوشحالی است. کار خیری که وسعت ایجاد نکند کار خیر نیست.

وجه بعدی وجه «جبران» است. کار خیر باید جبرانی باشد برای جهالت‌ها.

وجه بعدی وجه «سازگاری» است. کار باید در مسیر یُسَر انسان قرار گیرد. نزدیک‌ترین کلمه به یُسَر، رضا است. خرسندی یعنی سازگاری، بدون سختی و بدون جان‌کندن.

عالم زنجیره‌های در هم دارد. هر کار خیری فردی را در زنجیره‌ای از خیر قرار می‌دهد و منجر به حالت رضایت و خرسندی می‌شود. در شرّ نیز همین‌طور همه چیز زنجیره‌ای است؛ فرد دروغ می‌گوید و بعد به سمت تهمت می‌رود و بعد به سمت غیبت می‌رود. در هیچ‌کدام از این‌ها حالت خوشی و رضایت نیز وجود ندارد. فرد می‌گوید چاره‌ای جز این ندارم. این حالت بیچارگی است. برعکس زنجیره خیر که همه امور خیر با طبع انسان سازگار است. خوش اخلاقی با طبع انسان سازگار است.



«زکو» وجه بعدی است، منع از شرور. در زکو حالت منع و قطع از شرور مهم است. زکو حالت جداسازی و ایجاد برائت دارد. دوری او را از کارهای بد بیشتر می‌کند. دو خیر را باید حتما به نسبت هم سنجید. هر عملی برای شما در ۲۴ ساعت خیر نیست.

وجه بعدی وجه «سور» است که دو وجه دارد؛ یکی اعتماد به نفس و دیگری وجه هیبت است. هیبت وضعیت کلی فرد نسبت به دیگران است. اعتماد انسان به دیگران منتقل می‌شود. در فرد قدرتی ایجاد می‌شود و این قدرت به دیگران هم منتقل می‌شود.

ترتیب در اینجا خیلی مهم است. یعنی کسی که دارای هیبت است، حتما دارای زینت و آراستگی نیز هست. سور از عسکر گرفته شده است.

اگر کاری را با اعتماد به نفس بگویید و از راه القاء وارد شوید، تا بخواهید از راه استدلال وارد شوید بقیه می‌پذیرند. آخرین وجه می‌شود وجه «حجت و حکمت». کاری که دارای وجه حجت و حکمت باشد و قابلیت سند شدن یا استناد داشته باشد و بتواند به دیگران منتقل کند.

باید در امری که انتخاب می‌کنیم به صورت ایجابی یا سلبی این دوازده وجه را دید. خیر آن است که در آن این دوازده وجه باشد یا از دوازده وجه خلاف آن دور باشد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌شود جاری کننده خیر در عالم و حضرت فاطمه (علیها السلام) هم می‌شوند قطع کننده شرّ در عالم. یعنی اگر کسی امری یا عملی را طبق این دوازده وجه انجام داد، در رحمت خاص قرار می‌گیرند و می‌شوند «بسم الله الرحمن الرحیم» خدا.

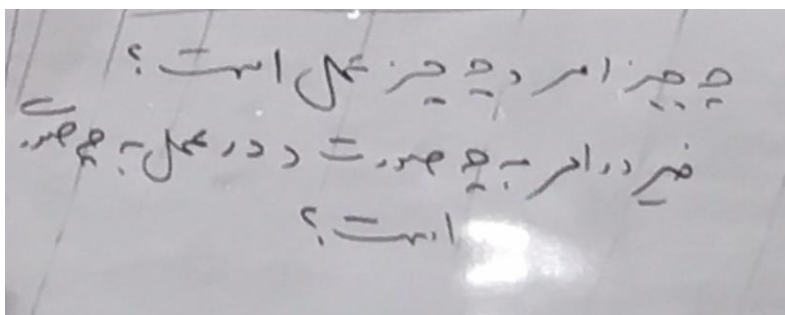
یک امر را در این جدول قرار دهید و همان امر را تبدیل کنید به عملی. ببینید می‌توانید با این وجوه آن امر یا عمل را به عنوان اولویت زندگی خودتان قرار دهید.

با خودتان تعارف نداشته باشید. ممکن است فقط در یک مورد به تشخیص برسید، ایرادی ندارد.

امری را در زندگی انتخاب کنید. برخی از امور مثل ازدواج، عملش ممکن است در اختیار فرد نباشد. باید خواستگار داشته باشد. عملش می شود فراهم کردن شرایط ازدواج. ممکن است نداند که شرایط چگونه ایجاد می شود و این خارج از حیطه امر خود فرد است. باید نصاب کارهای خودتان را بررسی کنید.

هر امری در ظرف وجودی انسان محقق می شود. امور مرحله بندی دارد. وقتی می گوئید امر احسان به والدین، باید بدانید احسان به والدین دقیقا چه معنایی دارد، بعد باید بدانید که دقیقا می خواهید چه کاری انجام دهید. تقریبا همه افراد تفصیل احسان به پدر و مادر را نمی دانند.

اگر کلاس شنبه به عنوان امر باشد، باید تکالیف قبل، بعد و حین کلاس را بگویید. اساس این ها روی امر است. شما بر اساس این ها دارید برنامه ریزی می کنید. اولین کاری که باید انجام دهیم تشخیص این است که چه چیز امر و چه چیز عمل است؟ خیر در امر به چه صورت و در عمل به چه صورت است؟



اگر این ها مشخص نشود، همه چیز به هم می ریزد. می خواهم نماز بخوانم، اول نماز بخوانم و بعد وضو بگیرم که نمی شود! باید امر را جدا جدا دید تا بشود برنامه ریزی درست داشت.

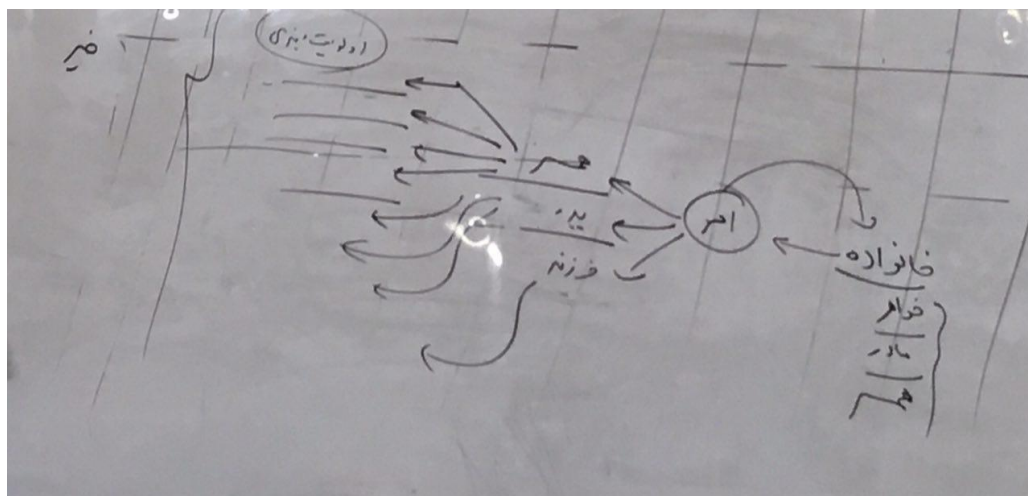
به همین دلیل است که اغلب اختلال ها در برنامه ریزی اختلال در امور است و نه در اعمال. ده تا امر انتخاب کردم که هیچ کدام تفصیل ندارد. مثلا امر تربیت فرزند یعنی چه؟ پارک بردن، بازی با فرزند و... این ها همه ذیل امر تربیت فرزند قرار می گیرد. اگر هنوز یک بازی بلد نیستی که با فرزندت انجام دهی؛ یعنی تو تربیت را برای چه می نویسی؟! امر دانشمند شدن وقتی تفصیلی نشده است، هیچ گاه اتفاق نخواهد افتاد. در امر والدین به این توجه کنید؛ این که چه ساعتی با او تماس بگیری، خیلی متفاوت است.

بین دو امر جهاد و درس می‌خواهیم اولویت قرار دهیم. اول فرضاً اولویت را با جهاد می‌دانیم. تفصیل را در این امر ایجاد می‌کنیم. مثلاً در جبهه خیلی از بچه‌ها شروع کردند به درس خواندن، درس خواندن افتاد در قاب جهاد. اصل کارش جهاد است و کار دوم می‌شود درس خواندن در زمان‌های آزاد.

عملیات‌ها نوعاً در زمستان و بهار اتفاق می‌افتاد. فرد می‌خواست رزمنده شود. می‌رفت ثبت نام می‌کرد. هم رزمنده بود و هم بیکار می‌شد. برایش دنیا مثل زندان می‌شد تا وقتی که عملیاتی صورت بگیرد. این که فرد چگونه برنامه‌اش را تنظیم کند جزء آموزش است. برخی از افراد در رفت و آمد بودند و این باعث می‌شد نتوان روی این افراد به عنوان فرمانده حساب کرد.

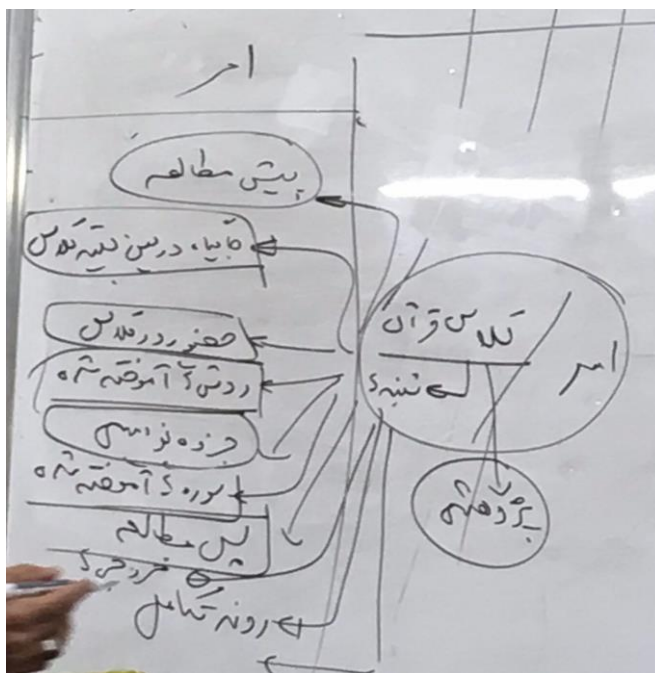
امور شما زیاد نیست اما تفصیل آنها اهمیت دارد. ما خیلی کارها انجام می‌دهیم اما جابجا هستند. آیه سوره نور آیه عجیبی است که می‌فرماید وقتی وارد خانه‌ها شدید اول تهیت بگویید و کاری کنید که انس و حیاتی ایجاد شود.

اگر امر را خانواده قرار دهیم، هر کدام از اعضا مثل همسر، خواهر، مادر و ... شئوناتی دارند. هر کدام را باید جزئی کرد تا مشخص شود نسبت به هر کدام از این‌ها چه وظایفی دارم. اولویت‌بندی اگر بر مبنای این وجوه باشد با همه امور دیگر همپوشانی ایجاد می‌کند. کاری را برای همسر انجام می‌دهم اما گویی برای فرزندم و مادرم هم انجام داده‌ام. این خاصیت کار خیر است. یک‌بار باید برای یکی از امور خودمان چنین کنیم تا مشخص شود مشکل کار کجاست.





یک امر را انتخاب می‌کنیم. مثل حضور در کلاس شنبه‌ها:



این‌ها امور کلاس قرآن می‌شوند و نسبت به یکدیگر جریانی پیدا می‌کنند. فرض ما این است که بر اساس نظامی در این کلاس شرکت کنیم. هر کدام از این موارد جریانی دارند. پیش مطالعه، جایگاه در بین بقیه کلاس‌ها، حضور در کلاس، روش‌های آموخته شده، جزوه‌نویسی، سوره‌های آموخته شده، پس مطالعه، خروجی‌ها، روند تکامل.

سپس این‌ها را مرتب می‌کنیم:

۱- انگیزه‌ها و جایگاه آن در بین کلاس‌های قرآنی. زمان اختصاصی آن در می‌آید.

۲- پیش‌نیازها مانند پیش‌مطالعه

۳- حضور در کلاس و پیگیری آن

۴- ثبت برداشت‌ها: آموزش سوره‌ها، روش‌ها، آموزه‌ها

۵- روند تکامل و ایجاد شرایط جدید و خروجی‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم											
خبر	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
										اعمال یا امور	فردی
										آنچه که وصایا دارد این که کارها را (زیادت اجتهاد)	①
										چون بسیار؟ از جدیدترین مطالب	②
										صغیر در اندیشه بسیار آن	③
										برداشت؟ آنچه که آورد	④
										روند شامل دایره در اطراف فردی	⑤

یک امر را به یک سری از امور تفصیل دادیم. حالا می خواهیم ببینیم خیر در این امور جاری هست یا نیست.

کلاس شنبه کلاسی پژوهشی است، می خواهیم امر انگیزه آن را با این دوازده وجه بررسی کنیم.

خدا به من اجازه داده است که این مقدار ساعت را صرف این کار کنم. در حالیکه خیلی از اولویت های دیگر را

اشغال می کند.

بسم الله الرحمن الرحيم											
خبر	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم	مردم
										اعمال یا امور	فردی
										آنچه که وصایا دارد این که کارها را (زیادت اجتهاد)	①
										چون بسیار؟ از جدیدترین مطالب	②
										صغیر در اندیشه بسیار آن	③
										برداشت؟ آنچه که آورد	④
										روند شامل دایره در اطراف فردی	⑤

مجموع ضایعاتی است که در این امر  
آن شکل ندارد و باید آن  
مجموعه از انواع و در این  
مردم

نقص در روش  
نقص در زمان  
در برآورد کم  
از در برآورد از زمان

**وجه تقوا:** شرایطی که لازم است احراز شود. اگر مثلاً کمتر از دو درصد افراد پژوهشی بودند، کلاس تعطیل می‌شود. این می‌شود مراقبت کلی، در لحظه عمل می‌کند و وجه تقوا را چک می‌کند.

**وجه کمال:** در نظر داشتن تاثیرات این کلاس در بین امور. هر هفته من باید رصد کنم بینم این کلاس نمره قبولی می‌گیرد یا نه.

**وجه زینت و آراستگی:** باید زینت امور دیگر من باشد. باید جلوه داشته باشد و رو باشد. بطور مجزا باید به زینت این کار نگاه کنم. باید پیشانی کار باشد.

**وجه وضوح:** حد و حصر کلاس و نقشه آن باید مشخص شود.

**وجه وسعت:** اثرات آن باید از صرف نفع رسانی در کلاس، به زندگی و موارد دیگر فراتر رود و گسترش یابد.

**وجه جبران:** چقدر نقص‌ها و عیوب را می‌پوشاند.

**وجه سازگاری:** احساس خرسندی و رضایت کلی است که به واسطه این کار منجر به تعطیلی کارهای دیگر می‌شود.

**وجه منع از شوره:** میزان طهارت و نزاهتی است که در برنامه‌ها ایجاد می‌کند. نقص در گفتمان‌سازی، نقص در عدم فهم شرایط اجتماعی، نقص از دور بودن از تکالیف الهی که نمی‌شناسیم. میزان دوری را نشان می‌دهد.

**وجه اعتماد به نفس:** میزان اصرار و عمدی که در انجام آن وجود دارد.

**وجه هیبت:** القاء این اصرار به طوری که دیگران را به شرکت و استفاده متقاعد کند.

**وجه حجت:** مجموعه فعالیت‌هایی است که بواسطه آن شکل می‌گیرد و باید آن مجموعه از انحراف دور باشد.

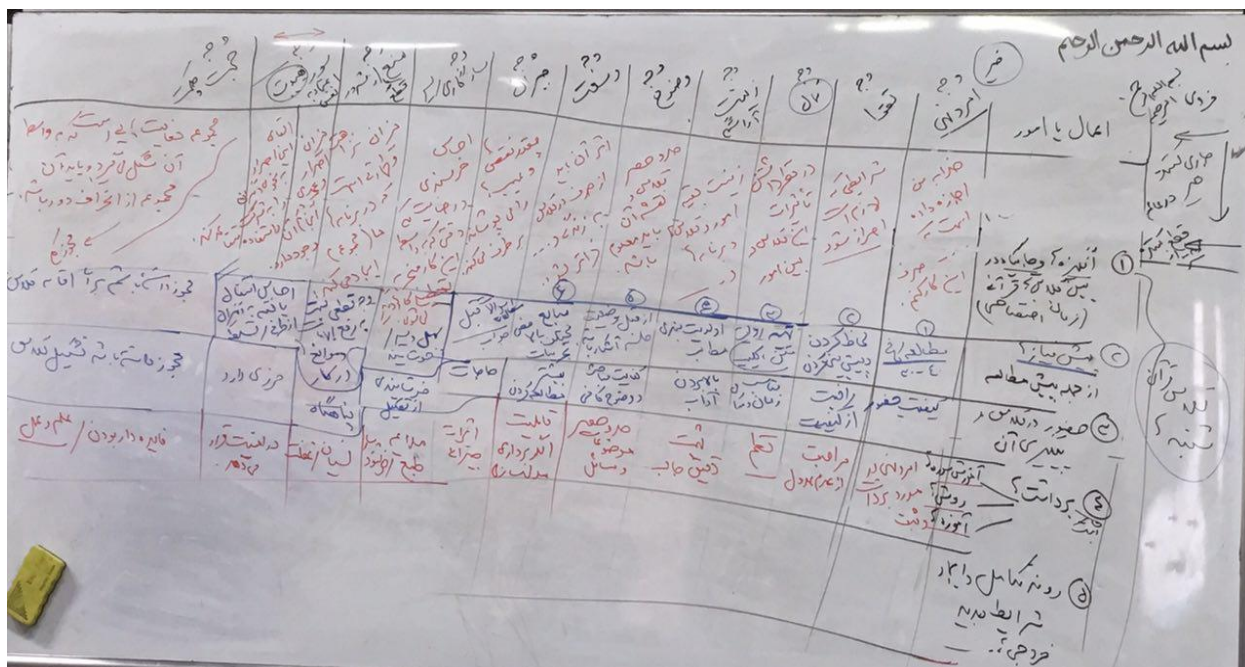
\*\*\*

## ساعت دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش نیازها (پیش مطالعه)

آن بخشی است که مربوط به همه است، به هر حال همه این موارد برای همه می تواند باشد اما کم رنگ و پررنگ دارد.



در مورد پیش نیاز ممکن است، انگیزه کاری را بتوانم پیدا کنم و در روند ارزیابی و تصمیم گیری تاثیر بگذارد اما وقتی جزئی تر می شود که من اهداف و یک سری پیش نیاز قرار دادم.

وجه امر و نهی: به هر حال برای هر کاری که باید انجام دهم و وقتی را صرف می کنم، باید مطالعه کافی داشته باشم، بعضی وقتها این مطالعه کافی هفته ای ۳۰ تا ۴۰ ساعت می شود ولو اینکه انگیزه کافی داشته باشم اما نتوانم مطالعه کافی کنم، آن وقت تمام سیستم بنده بر باد می رود!

وجه تقوا: لحاظ کردن و پیش بینی کردن است یعنی باید بتوان مباحث کلاس را پیش بینی کرد و نمی توان گفت که نمی دانستم این اتفاق می افتد. مراقبت ها منجر به حفظ کلی می شود.

**وجه کمال:** در پیش‌نیازها تهیه روایت، تهیه متن، کلیپ یا هر چه هست، البته ما با کلیپ زیاد کار نمی‌کنیم اما با روایت کار می‌کنیم. بعضاً آن چه که ماندگار می‌شود، در وجه کمال می‌آید؛ می‌گوییم که مثلاً این کلاس به این روایت شناخته می‌شود. باید این را از قبل تدارک ببینیم. این برای من است، وجه کمال متفاوت می‌شود.

**وجه زینت:** اولویت‌بندی مطالب مهم است. خیلی وقت‌ها شده است که من روایت یا مطلبی پیدا می‌کنم اما این متن در انبوه متون گم می‌شد. این که یک یا دو روایت را در وجه کار بگذارید.

**وجه وضوح:** از قبل وضعیت جلسه آشکار باشد، حتی برای کسانی که جلسات قبلی را نیامده‌اند باید برنامه داشته باشد. یعنی از قبل باید بدانید که عده‌ای مهمان‌اند. بحث وضوح این پیش‌نیازها مهم است، باید بگویند که این‌ها برای این گروه، این‌ها برای آن گروه. ما بعضاً نیم ساعت اول کلاس را روشی می‌گوییم و بعد ادامه را برای بقیه می‌گوییم که عمومی‌تر است. باید این‌ها را از قبل بدانیم.

**وجه وسعت:** باید وسعت منابع بررسی شود. یعنی وقتی راجع به موضوع عمل و امور بررسی می‌کنم باید از روایت‌های مختلف، تجربه و قرآن استفاده کنم.

این‌ها همه با هم ارتباط دارند، پیشینه با وضوح ارتباط دارد و تک‌تک این‌ها با هم مرتبط‌اند. در واقع برخی از دوستان وقتی کلاس می‌روند بر مبنای الهام می‌روند؛ اما باید از قبل پیشینه داشته باشید، باید وسعت مطالعه داشته باشید، نه اینکه فقط کتاب مقدمات تدبر را بخوانید، بلکه جاهای دیگر و روایات دیگر را هم دیده باشید. باید منابع مختلف را در سطح وسیع کار کرد.

وسعت دادن یک روایت مهم است اما وسعت دادن منبع هم مهم است.

در حال حاضر راجع به کلاس شنبه‌ها صحبت می‌کنیم که باید پیش مطالعه کرد. باید همیشه مطلب بیشتری بلد بود و دو یا سه جلسه در دفتر آماده شود. یعنی برای ما تا ۳ جلسه بعد نیز مشخص است زیرا به صورت وسیع مطالعه کردم و ظهورش به این صورت است که میزان حرفی که می‌زنم به دلیل کمبود وقت، کامل به اتمام نمی‌رسد و باقی می‌آورد.

ظهور این وجه وسعت یافتن به چیست؟ این است که میزان مطالعه من باید بیشتر از ساعت کلاس باشد.

وجه جبران: هر جلسه‌ای باید نواقص جلسات قبل را جبران کند. یعنی باید رصد کرد که در هر جلسه‌ای چه نواقصی بوده که در جلسه بعد جبران شود، مطالعه سوالات افراد و بیان بهتر موضوع در این وجه جای می‌گیرد.

وجه سازگاری: این‌گونه است که مطالعاتی که برای خودم در نظر می‌گیرم، باید استفاده از آن‌ها برایم سهل و یسر باشد و مطالبی که از قبل از کلاس آماده کرده‌ام، برایم خوشایند باشد و احساس نکنم که این‌ها بدون فایده است و کسی استفاده نمی‌کند. اگر کسی این حالت ناخوشایندی را داشته باشد از کلاس می‌خواهد در برود و مثلاً می‌گوید کاش آلودگی یا برف بود که کلاس تعطیل می‌شد! و بعضاً ما نسبت به بسیاری از کارهایمان توجه نیستیم و خودمان با آن‌ها مشکل داریم. مثلاً من که هنوز از پس «رشد یک» برای بچه‌ام برنیامده‌ام، چطور می‌توانم بقیه را توجه کنم؟! حتماً باید حالت یسر در انسان باشد زیرا اگر نباشد در انتقال به انسان‌های دیگر کوتاهی خواهد کرد.

وجه قطع از شروع: در مطالعاتم باید به یک وجه قطعی نسبت به رفع ابهامات برسم. یعنی باید از قبل بدانم که این مطالعه من مخاطب را از موانع و چالش‌هایی دور می‌کند و همینطور از بدی‌هایی که هست، دور می‌کند.

هر کدام از این مراحل به ترتیب باید اتفاق بیفتند و پشت سرهم خواهد بود.

بسیاری از این کارها را شما به این ترتیب انجام می‌دهید و این فطری و طبیعی است اما باید در تمام کارها بررسی شود. مثلاً آقای چیت‌چیان تمام این کارها را انجام می‌داده اما به این شکل ثبت نکرده است. اما مثلاً وقتی می‌خواهد کار دیگری انجام دهد چون در ساختار برنامه‌ریزی‌اش نیست، به مشکل می‌خورد. بنظر می‌رسد هر کسی معلم خودش است و ممکن است شما خیلی از این حرف‌ها را قبول نداشته باشید، بیایید هر کدامتان، هر جایی که خیلی موفق هستید، خودتان را در نظر بگیرید؛ مثلاً کسی در آشنایی موفق است، در همان حدی که موفق هستید، بررسی کنید که چه شده که شما موفق شده‌اید و بعد آن موفقیت را امام بقیه کارهایتان قرار دهید؛ مثلاً می‌گویید که، من برای آشنایی این مراحل را دارم، وقتی آش درست می‌کنم همه مواد را یکبار با هم نمی‌یزم. نخود را حتماً در زودپز می‌پزم و غیره. هر کسی در یک کار موفق باشد، همان کار را انجام دهد و همه کارهایش را طبق آن کار انجام بدهد. یعنی ما اگر در جایی احساس رضایت از زندگی می‌کنیم، فکر می‌کنیم که این کار درست است و متوجه خواهیم شد که این کار شانس اتفاق نیفتاده بلکه در طول زمان اتفاق افتاده است بنابراین همه کارها طبق همان کار می‌تواند انجام شود.

**نکته:** قاعده این است که هر کس گوش دهد آنچه را که نمی‌داند و از اجتهاد دست بردارد، حتماً به فلاح می‌رسد؛ یعنی یک نفر بگوید که من فقط می‌خواهم گوش بدهم!

دوستانی که در کار مستندسازی هستند، این موارد راجع به کار مستند است، چطور می‌توان کار مستندی را تیپ‌بندی و مرحله‌بندی و تنظیم کرد؟ همه این مواردی که گفته شد را برای یک تولید مستند بگذارید، زیرا که مثل یک قالب است. الان می‌خواهید ببینید که معضل محیط زیست در یک کشور چیست و چگونه حل می‌شود؟ چه بخش‌هایی باید بهبود یابد؟

**مرحله‌بندی کار:** تیرهای برنامه و اول و دوم و غیره. ۱۲ مرحله داریم. آدم‌ها و صحنه‌های هر کدام را انتخاب می‌کنیم و امر و نهی، تقوا، کمال و ... را می‌توانید از محیط زیست و آدم‌ها بسازید.

ذهن ما یک ذهن ساده است، وقتی می‌گوییم مؤمن می‌گوید که یعنی «با خدا»، وقتی می‌گوییم مؤمن شو، یعنی «با خدا» شو. این فرد می‌آید در زندگی، نمازش قضا می‌شود، مگر نگفتی با خدا هستم، مگر چه شده؟ با پدر و مادرش دعوا می‌شود، با راننده تاکسی هم اوقاتش تلخ می‌شود، سر کلاس و سر کار و تماماً لغزش داشته است، اما می‌گوید که مؤمن یعنی با خدا و من با خدا هستم و به همین صورت است. این‌ها به خاطر آن است که هنوز «مؤمن با خدا» نشده است. باید ذهن از حالت اجمال خالص شود، باید بداند که امر و عمل متفاوت‌اند. امر آن است که در مقام نظر، تدبیر و تقدیر و تصمیم‌گیری است و عمل در مقام فعلیت رسیدن است و اگر امر را درست کردی، عملت درست می‌شود. امور را چیده، امر نماز خواندن در آن نبود، ایتاء زکات در آن نیست، مگر بالاتر از صلوات و زکات چه داریم؟! پس وقتی می‌گوییم امر؛ اولش می‌گوییم اقامه صلوات و ایتای زکات، امر به معروف و نهی از منکر. پس امرهایتان را درست کنید، وقتی این‌ها امر شد، باید تفصیل پیدا کند؛ یعنی وقتی می‌گوید اقامه صلوات یعنی باید صلوات را اقامه کند و نه اینکه صرفاً بخواند. اقامه صلوات یعنی نماز صبح، ظهر، عصر و مغرب و عشاء. نماز صبح یعنی نماینده چیزی که قبل و بعد خودش را سامان و جریان می‌دهد و در خودش جریان دارد. پس بیایید برای نمازهایتان برنامه‌ریزی کنید، مثلاً نماز صبح ما این‌گونه باشد، اهل بیت (علیهم‌السلام) این‌گونه بودند، نماز اول ماه و ... منظور این است که وقتی می‌گوییم امر، باید تفصیل پیدا کند و ذهن از حالت ساده در بیاید.

ممکن است کسی بگوید که چرا همه چیز را ساده می‌کنید؟ گفته می‌شود چرا شما همه چیز را ساده می‌گیرید، چون بهشت تفصیل دارد، باید ۱۲ امام را ببینید، باید وجه حسنی و حسینی ببینید. ذهن باید تفصیل پیدا کند.

وجه حجت و حکمت: وقتی پیش مطالعه من بخواهد سور داشته باشد، باید سایرین آن را احساس کنند که من مطالعه کرده‌ام. ممکن است من مطالعه کرده باشم اما مردم حس نکنند که من مطالعه کرده‌ام، ممکن است با دفترچه‌ای وارد جلسه شوم. پس احساس دیگران از طرفی و تسلط من از دیگر سو نشان از «سور» است. هر کلاسی سطحی دارد و من باید به سطح کلاس برسم و گرنه باید کلاس را تعطیل کنم.

### حضور در کلاس و پیگیری آن

تفاوت امر با عمل این است که باید در امر برنامه‌ریزی داشته باشیم.

امر و نهی: کیفیت حضور، این که کی و چطور وارد و خارج شوم، نحوه گذاشتن میز و صندلی و غیره.

تقوا: مراقبت از کیفیت، مراقبت از باید و نبایدهای تشکیل کلاس در مراقبت می‌آید.

کمال: تناسب زمان و مکان، زمانش کم است، یا این زمان همه کسل هستند و غیره.

زینت: پذیرایی‌ها و برنامه‌ریزی برای این که آدم‌ها کسالت کمتری داشته باشند. مثلا اجازه بدهید که افراد سوال کنند، آن‌هایی که جدید می‌آیند را بیشتر تحویل بگیرید (بالا بردن آداب)

البته این‌ها برای من و شما متفاوت است.

وضوح: کفایت مباحث و وضوح کافی

وسعت: باید تا ۲۰ ساعت مطلب دست فرد باشد، هر چند کلاس ۳ ساعت است (مطالعه بیشتر)

جبران: باید به گونه‌ای باشد که به هر حال کلاس با غیر کلاس متفاوت باشد. حضوری با صوت متفاوت شود.

سازگاری و یسر: این جا حاجت بدهد و مثلا مثل امامزاده بشود. اتفاقا این وجه کاظمیت از همه بیشتر است. توسل پیدا می‌کنید به باب الحوائج. کاری می‌کنید که فقط بحث خود درس نباشد و قاضی الحاجات هم بشود. این وقتی وارد عمل می‌شود، به شکل القانات و صلوات‌هایی است که سر کلاس می‌گوییم. خدا بخیل نیست و ما می‌خواهیم و او می‌دهد. خیلی چیزهایی که نخواستیم را داده است، چه برسد به آن‌هایی که نخواستیم. حتما باید خوشایندی از تشکیل کلاس داشته باشید.



قطع از شرور: این کلاس جایی برای پناه بردن از شرور باشد. به خاطر رهایی از جهل، ظلمات و حسود به کلاس پناه ببرم. این حداقل نیت برای من هست.

سور: حصنی دارد که افراد نمی‌توانند آن را تعطیل کنند.

وجه حجت و حکمت: باید برای تعطیلی این کلاس مجوز وجود داشته باشد مثلاً آلودگی هوا سبب کنسل شدن کلاس می‌شود. یعنی باید در ذهن این باشد که برای هر کاری باید مجوز داشت. این کلاس هیبت دارد. سور دارد. یعنی می‌توانند در جاهای مختلف صوت را گوش دهند، اگر کسی بخواهد مقابل کلاس بایستد خودش زمین می‌خورد. اما شما باید برای سور داشتن برنامه داشته باشید. یعنی وقتی کسی این مراحل را پیش برود، خود به خود به سور می‌رسد.

### آموزش سوره‌ها و روش‌ها

امر و نهی: باید از قبل برای این روش‌ها و آموزش‌ها باید و نباید داشته باشد. حتماً باید امر و نهی‌ها را بررسی کند. یا نظر بزرگان را بگوید یا این که بگوید که من این گونه روش را استخراج کردم. بنابراین امر و نهی در مورد برداشت و ثبت دارم.

تقوا: مراقبت از این روش‌ها و عدم عدول از این روش‌ها

کمال: با چه روشی کار می‌کند، نظم دارد یا نه؟

زینت: ثبت دقیق جالب

وضوح: برداشت‌ها و روش‌های فرد باید برایش کاملاً واضح باشد. حد و حصر موضوعات و مسائلی مشخص باشد. بدانند کدام روش و کدام آموزه است.

وسعت: باید فرد بدانند که این کار وسعت داشته، مثلاً امروز روی مستند برده شده. قابلیت الگوبرداری داشته باشد.

جبران: بدانند مطالبی که برداشت می‌کند در زندگی‌اش به درد می‌خورد.

سازگاری: بدانند که ملائم طبع است و دانستن آن انسان را خشنود می‌کند.

قطع از شروع: دوری از نسیان و غفلت انسان. انسان خیلی چیزها یادش می‌رود، پس به گونه‌ای بنویسد که فراموش نکند.

وجه سوز: انسان را در امنیت قرار می‌دهد. حس می‌کند وقتی این را می‌داند، بهتر می‌تواند زندگی کند.

وجه حجت و حکمت: فایده‌دار بودن است. نرفتن به سمت این که علم انبوه داشته باشد و علم و عملش همراه باشد. این که علم داشته باشم اما روز به روز عمل ضعیف‌تر شود، این یعنی باید کلاس را ترک کنم، ترک می‌کنم یعنی باید بروم به علم خود عمل کنم.

روند تکامل و ایجاد شرایط جدید و خروجی‌ها

این را خودتان کامل کنید و بگذارید که فعلاً ناگفته بماند

برای هفته آینده امری مثل کلاس شنبه را برای خودتان بررسی کنید، ان شاء الله

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات